

Foundations and Manifestations of Asset Seizure Resulting from Bribery in Islamic Jurisprudence and Iranian Criminal Law

1. Nasim Mansouri Tehrani: PhD Student, Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran
2. Yasin Saeedi*: Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Yasinsaeedi@yahoo.ir (Corresponding Author)
3. AmirMohammad Sediqian: Assistant Professor, Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran

ABSTRACT

Bribery is a social issue in which, according to the law, assets obtained through bribery are confiscated by the government as a form of discretionary punishment for the briber, and if the briber has gained any privileges through bribery, those privileges will be revoked. Accordingly, this study employs a descriptive-analytical method to examine the concept and nature of the crime of bribery, the punishment of the briber under the Islamic Penal Code, the cases in which the briber is exempt from punishment, legal gaps concerning bribery, and potential solutions for addressing legal ambiguities through an analysis of the perspectives of Islamic jurists and legal scholars. The findings indicate that the ownership relationship between the briber and the bribed assets is not severed, as the payment itself is unlawful and does not result in a valid transfer of ownership. Therefore, the equivalent value of the bribed asset should not be recovered from the briber. Instead, if the original asset still exists, it should be seized in its original form; otherwise, its equivalent or monetary value should be confiscated from the bribee. The notion that the briber should be compelled to reclaim their property from the bribee's assets seems unrealistic because, in reality, the asset currently in the bribee's possession legally belongs to the briber. Consequently, seizing the asset from the bribee effectively serves as a punishment for the briber.

Keywords: *Asset Seizure, Confiscation, Bribery, Property Forfeiture*

How to cite: Mansouri Tehrani, N., Saeedi, Y., & Sediqian, A. M. (2024). Foundations and Manifestations of Asset Seizure Resulting from Bribery in Islamic Jurisprudence and Iranian Criminal Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(2), 254-266.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 July 2024
Revise Date: 28 August 2024
Accept Date: 06 September 2024
Publish Date: 11 September 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

مبانی و جلوه‌های ضبط مال ناشی از ارتشا در فقه و حقوق کیفری ایران

۱. نسیم منصورى طهرانى: دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران
۲. یاسین صعیدی*: استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. پست الکترونیک:

Yasinsaedi@yahoo.ir (نویسنده مسئول)

۳. امیرمحمد صدیقیان: استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

چکیده

رشوه و ارتشاء یکی از مسائل اجتماعی می‌باشد که بر مبنای متن قانون، اموال دربرگرفته از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد. بر این اساس این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و با اهداف بررسی مفهوم و ماهیت جرم ارتشا، بررسی مجازات راشی در قانون مجازات اسلامی، بررسی موارد معافیت راشی از مجازات، بررسی‌های خلاهای قانونی در خصوص جرم ارتشاء به دست آوردن راهکارهایی در خصوص برطرف کردن ابهام قانونی با بررسی نظرات فقها و حقوقدانان انجام می‌گیرد. در نتیجه باتوجه به رابطه مالکیت راشی با پرداخت رشوه نسبت به مال، موضوع رشا قطع نمی‌شود چرا که این پرداخت یک پرداخت نامشروع است و موجب انتقال مالکیت نیز نمی‌شود. بنابراین نباید معادل آن مال از راشی اخذ گردد بلکه باید در صورت وجود عین، همان عین را و در غیر این صورت مثل یا قیمت آن را از مرتشی ضبط کرد و این که راشی مجبور شده است نسبت به استرداد مال خودش، از اموال مرتشی اقدام کند به نظر غیرواقعی به نظر می‌رسد چرا که در واقع مالی که در حال حاضر در دست مرتشی است متعلق به راشی است بنابراین ضبط آن در ید مرتشی، خود مجازات راشی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: ضبط مال، توقیف، ارتشا، مصادره اموال.

نحوه استناددهی: منصورى طهرانى، نسیم، صعیدی، یاسین، و صدیقیان، امیرمحمد. (۱۴۰۳). مبانی و جلوه‌های ضبط مال ناشی از ارتشا در فقه و حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۲)، ۲۶۶-۲۵۴.

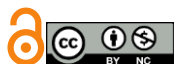
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۱ شهریور ۱۴۰۳



در سیاست جنایی مصادره و ضبط اموال اکتسابی از جرم اهمیت ویژه دارد چرا که مهمترین انگیزه ارتکاب جرم، کسب مال، ثروت و درآمد سرشار است و دامنه این موضوع نه تنها در جرایم علیه اموال و مالکیت، بلکه در جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی هم کشیده شده است و حتی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی نیز در مواردی زیادی به چشم می‌خورد. از ارتکاب به جرایمی مثل قتل عمد و جاسوسی و روسپی‌گری و... همگی دارای انگیزه مالی هستند. پس باید در جهت پیشگیری از وقوع جرم همواره از منظر مجرم، می‌بایستی منفعت ارتکاب جرم خیلی کمتر از ضرر ارتکاب جرم باشد در این صورت می‌توان گفت که مجازات در پیشگیری از وقوع جرم موثر واقع شده است. مصادره اموال جزء آن دسته از مجازات‌هایی که منافع اقتصادی ناشی از ارتکاب جرم را بشدت به خطر می‌اندازد چون فرد مرتکب در صورت ارتکاب جرم علاوه بر تحمل مجازات‌های سنگین مثل حبس و جزا نقدی، عواید و اموالی را که از طریق ارتکاب به جرم به دست آمده است را نیز از دست می‌دهد و باید به این باور برسد که ریسک ارتکاب به جرم برای مرتکب بسیار بالا است و به جای ارتکاب جرم به کسب درآمد از راه‌های قانونی متوسل شود.

با رشد روابط بین فرهنگی و جهانی شدن اقتصاد، امروزه زمینه مناسبی برای توسعه ایجاد شده است، تا جایی که امروزه جنایات سازمان‌یافته در اشکال مختلف از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق تسلیحات قاچاق اعضای بدن انسان، قاچاق مواد رادیواکتیو، قاچاق مهاجران، ارتشاء، تطهیر درآمدهای ناشی از ارتکاب جنایات سازمان‌یافته و حتی تروریسم به وجود آمده است و نگرانی و دغدغه‌های زیادی در برخی ممالک ایجاد شده است و توجه دست‌اندرکاران مبارزه با جرایم سازمان‌یافته به عواید و سودهای ناشی از آن‌ها معطوف شده و در راستای برخورد با این نوع عواید و دارایی‌ها، کشف، ضبط و مصادره این اموال در هر مکان و به هر شکل و ماهیتی که تغییر یافته باشند مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است. موضوع ضبط و مصادره و ضرورت رد مال حاصل از جرم از جمله موضوعاتی بوده که همواره مورد توجه مراجع قضایی بوده است هر چند که در قوانین جزایی متفرقه موادی پیرامون ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم ذکر شده است و در ماده ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز تکالیف مجرم و مقامات قضایی در رد مال حاصل از جرم بیان شده است. اما به نظر می‌رسد آئین رسیدگی روشن و شفافی در مورد چگونگی ضبط و مصادره اموال و همچنین استیفای مال حاصل از جرم وجود ندارد (Ardabili, 2019). در مقام تعبیر حقوقی این نوع مجازات اینگونه می‌توان گفت که مصادره یعنی، گرفتن اموال از محکوم علیه به وسیله یکی از شکل‌های قانونی، و ضبط به معنای نگهداری موقت یا دائمی ادوات یا اموال و یا آلات پیرامون جرم است (Jafari Langroudi, 2017). با توجه به تعریف واژه ضبط می‌توان این گفت که ضبط شامل دو نوع است الف): «دایم»، و آن هنگامی است که اموال حاصله از امکان استرداد به محکوم علیه بر خوردار نخواهند بود» مثل ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور ایران سال ۱۳۶۹ ب): «موقت»، و آن هنگامی است که اموال حاصله یا ادوات اخذ شده به محکوم علیه باز گردانده می‌شود» مثل مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ با این توضیح که قانون گذار در ماده ۱۰۷ قانون فوق اشاره به ضبط نموده «ادوات و آلات از قبیل: اسلحه، حربه،... باید ضبط شود» و بلافاصله در ماده ۱۰۸ اشاره به حفظ نمودن و شماره گذاری آن اموال می‌کند و در پایان بیان می‌کند: «با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد و ارایه رسید جز با هدف استرداد آن ادوات (که جزء اموال هم محسوب می‌شوند) انجام نمی‌گیرد. همچنان که قانون گذار در ماده ۱۰۴ قانون فوق در قسمت اخیر این حکم را برقرار می‌کند «چنانچه اشیاء مذکور دارای اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته است به صاحبش با گرفتن رسید برگردانده می‌شود.» (Razman, 2018).

در خصوص عواید حاصل از جرم و مصادره آن، قانون مبارزه با پولشویی مجلس شورای اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶ اقدام به تعریف عواید ناشی از جرم نموده و در ماده مقرر می‌دارد: «ماده ۳ - عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد.» و ماده ۲ قانون اخیرالذکر، استفاده از عواید حاصل از جرم را به عنوان جرم پولشویی و بدین شرح تبیین کرده است: «ماده ۲ - جرم پولشویی شامل: الف - تملک، تحصیل، نگهداری یا استفاده از عواید به دست آمده از فعالیت‌های غیرقانونی با آگاهی به این که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده باشد. ب - مبادله، تبدیل یا انتقال عوایدی با هدف مخفی کردن منشأ غیرقانونی آن با آگاهی به این که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم یا کمک به مرتکب به صورتی که وی مشمول تبعات و آثار قانونی ارتکاب آن جرم نشود. ج - پنهان یا مخفی یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منبع، محل، منشأ، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.» حقوق عراق از حیث مواجهه با عواید حاصل از جرم، رویکرد قانون‌گرایی اتخاذ کرده است (Dalir, 2009).

همچنین با توجه به تغییرات نرخ ارتکاب جرم ارتشاء، قانونگذار میزان جزای نقدی در ماده ۳ قانون تشدید... را افزایش نداده است بنابراین حداقل میزان وجوه دریافتی توسط مامور دولت می‌تواند مشمول جرم ارتشاء قرار گیرد بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که مقنن توجه سختگیرانه‌ای به این جرم داشته و دارد که شاید یکی از دلایل آن تاکید فقهی بر این جرم می‌باشد و به نظر می‌رسد این جرم یک تعزیر منصوص شرعی باشد که البته در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. همچنین مطلق بودن این جرم، مقنن در ماده ۳ قانون تشدید... عنوان نموده که چه مرتشی کار را انجام داده یا نداده باشد باید مجازات یکسانی در نظر گرفته شود که این امر می‌تواند از لحاظ اخلاق و انصاف جای ایراد باشد چرا که مالی را که راشی به مامور دولت پرداخت می‌نماید در عوض کاری برای اوست و تا زمانی که امر از سوی مرتشی انجام نشده است ضبط کل مال، برای مجازات راشی دور از انصاف است و مجازات سنگینی به نظر می‌رسد چرا که بهتر بود قبل از انجام کار از سوی مرتشی، نصف آن مال ضبط گردد و باید تفاوتی در این خصوص قائل شد (Youssefian Shorhedeli, 2010).

از دیدگاه فقها ماهیت ضبط مالی ناشی از ارتشاء به دلیل اینکه مال الرشا در ملکیت رشوه گیرنده داخل نمی‌شود مکلف است عین آن را به مالکش برگرداند اما در مورد حقوق مالکیت، رشوه به عنوان جزای نقدی ضبط می‌شود و زمانی که ثابت شود فرد برای حفظ حقوق خود مجبور به پرداخت رشوه شده است، وجه یا وجه رشوه شده به او مسترد می‌شود (Khomeini, 2000).

هدف از ارائه پژوهش، پاسخگویی به ابهامات بوده؛ با وجود تمام پژوهش‌هایی که در این مقوله انجام شده نیاز است قوانین و آثار ناشی از مصادره اموال اکتسابی از جرم بیشتر مورد بررسی قرار گیرد تا امکان پاسخگویی به ابهامات فراهم شود.

۱. مفهوم ضبط و مصادره اموال ناشی از رشاء و ارتشاء

موضوع ضبط مال در قوانین جزایی همیشه با هدف حفظ حقوق افراد مدنظر بوده است. زیرا آثار آن نه تنها ممکن است به متهم برگردد بلکه ممکن است شامل افراد خانواده او نیز بشود. بنابراین انتظار می‌رود در بحث ضبط اموال ترتیبی اتخاذ شود که آثار مجازات تا حد امکان به متهم بازگردد. از دیرباز در مورد ضبط و مصادره و تفاوت آن‌ها مناقشه‌های علمی فراوانی صورت گرفته است. اما به نظر می‌رسد قانونگذار ما چندان به مناقشه‌ها توجه نکرده است و از کلمه «ضبط» در معانی مختلف اعم از ضبط به معنی «توقیف موقت و دائمی» و سایر معانی و مفاهیم دیگر نظیر «جریمه» و «جلوگیری» استفاده کرده است. اما در باب قرارهای تأمین کیفی، «ضبط» عمدتاً در مفهوم ایفای تعهد جلوه گر شده و صرفاً در زمانی اعمال خواهد شد که شرایط عمومی و اختصاصی ضبط اموال فراهم باشد. شرایطی که به سادگی فراهم نمی‌شوند و

اقدامات شکلی و ماهوی خاصی ضروری است تا مال ضبط شود و سپس به فروش رود و حقوق مدعی خصوصی استیفا شود. در این باره اختلاف نظرهای زیادی در رویه قضایی ایران مشاهده می‌شود که ناشی از ابهام قوانین و تغییر ساختار تشکیلات قضایی ایران در ده سال گذشته است. اجرای قانون دادگاه‌های عام و متعاقب آن احیای دادرها دگرگونی‌های زیادی در رویه‌های قضایی ایران به دنبال داشته است که آثار آن در بخش مربوط به ضبط اموال به خوبی مشهود و قابل ملاحظه است (Zabih & Mazloom Rahni, 2016). ضبط اموال اکتسابی از جرم از مهمترین اقداماتی است که در برابر اموال اکتسابی از جرم انجام می‌شود. ضبط اموال عموماً با هدف مصادره اموال مذکور صورت می‌گیرد (Shakeri & Gholizadeh, 2019).

براساس ماده ۱ کنوانسیون وین، مصادره اینگونه عنوان شده که بنا بر اقتضاء میتواند مصادره عین اموال را نیز شامل شود (لوی، ۲۰۱۸: ۳۷۲). به مفهوم محرومیت از مالکیت، به سبب دستور صادر شده از یک مرجع صالح. بطور دائم بنا بر ماده مذکور انسداد و ضبط نیز تعریفی دارد «انسداد و یا ضبط» به این معناست که تبدیل مال، واگذار و یا نقل و انتقال مال یا نگهداری از آن به طور موقت ممنوع بوده و یا به مفهوم این است که مال براساس دستور مراجع صالحه به طور موقتی در کنترل ضابطین قضایی باشد.

۲. اهداف ضبط و مصادره اموال

اهداف بسیاری جهت تدوین و تصویب مقررات و قوانین مرتبط با ضبط و مصادره اموال مدنظر قانونگذاران بوده است که این اهداف را بطور اجمالی بررسی شده است:

۱.۲. مجازات مجرمین

مصادره اموال چه بطور عام و یا خاص در زمره مجازات‌های مالی آمده است. مجازات مجرمین از راه مصادره اموال در سطح جهانی مورد پذیرش قرار گرفته که نبایستی اجازه داد مجرم از جرمی که مرتکب می‌شود منفعت ببرد (Jablon, 2018). بعضی از حقوقدانان ضمن بررسی ماهیتی مصادره و مجازات‌های بازدارنده و تعزیری، مصادره اموال را در ردیف مجازات‌های بازدارنده تعزیری عنوان نموده‌اند (Dalir, 2009).

مصادره اموال در خصوص اشخاص حقوقی، در بعضی از کشورها مثل فرانسه بعنوان مجازات قابل اعمال به رسمیت شناخته شده است. قانون مجازات فرانسه در بسیاری موارد مصادره اموال اکتسابی از جرم را به عنوان مجازات جایگزین، مجازات تکمیلی یا اصلی در خصوص اشخاص (حقیقی و حقوقی) وضع کرده و اجرا می‌نماید (Ghasemi Moghadam, 2020; Goldouzian, 2021).

۲.۲. تأمین منابع مالی دولت‌ها

درآمدهای حاصل از مصادره مبلغ قابل توجهی است تا آنجا که در زمره یکی از منابع وجود دارد که منابع مالی دولت‌ها را تأمین می‌کند. از این رو سیاست قضایی دولت‌ها همیشه بر این منوال بوده است که از راه‌های قانونی مجازات مصادره اموال را با بعضی از مجازات‌های سالب آزادی جایگزین کنند. البته بر این شیوه درآمدزایی دولت انتقاداتی وارد شده و از آنجایی که اکثر هزینه‌های مربوط به مجریان و ضابطین قضایی از راه مصادره اموال تأمین می‌شود انتقاد عمده این است که اگر از این زاویه به موضوع بنگریم که در واقع مجریان قانون از عواید مصادره بهره مند می‌شوند و در آن سهم هستند این امر خطرناکی است؛ در تقابل با این نظر اینگونه عنوان شده که برخی فعالیت‌های مخرب باعث گسترش جرایم خشن شده و عواید مصادره باعث افزایش قدرت مبارزه با این دست از جرایم می‌شود اسناد بین المللی نیز قوانینی در خصوص مصادره اموال با هدف جبران خسارت اعمال نموده است. ماده ۱۴ کنوانسیون پالرمو در بند ۲ آورده که دولت‌های متعاقد کنوانسیون

بایستی رویه‌ای را مدنظر قرار دهند تا اموالی که مصادره می‌شوند به دولت تقاضا کننده واگذار شوند تا دولت توانایی جبران خسارت‌های وارد آمده بر زیان دیدگان را داشته باشد یا عواید اکتسابی از جرم یا مال مذکور به صاحب واقعی و قانونی اش عودت داده شود (Marthin, 2013).

لایحه نمونه نیز در بخش ۱۱۹ قواعد و ضوابطی در خصوص عواید ناشی از اعمال غیرقانونی، تأمین مالی تروریسم و پولشویی را مقرر نموده که براین اساس مبالغ مجموع که ناشی از مصادره اموال است جهت اهداف گوناگونی مثل جبران خسارت اعمال تروریستی و جرایم پر مخاطره بکار گرفته شود. ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی در بند ۴ نیز جهت مبارزه با تأمین مالی تروریسم مقرر نمود دول متعاقد می‌بایستی طریقی را بکار گیرند که بر آن اساس اموال مصادره شده موضوع کنوانسیون با هدف جبران خسارت متضررین جرایمی که در ماده ۱ کنوانسیون مذکور قید شده بکار گرفته شود (Keramidas, 2020).

۳. معامله در مقام رشوه

بند ۱۷ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، گرفتن رشوه را تخلف دانسته و برای مرتکب آن مجازات تعیین کرده است: تخلفات اداری به قرار زیر است: ... گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی می‌شود. در آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی نیز ضمن بیان مصادیق رشوه، نحوه رسیدگی به اتهام کارکنان دولت و میزان مجازات آنان تعیین شده است (Zabih & Mazloom Rahni, 2016).

در ماده ۱ آیین نامه یاد شده آمده است: کارکنان و مسئولان دستگاه‌های اجرایی که با رعایت بندهای زیر نسبت به جمع آوری وجه یا اموال یا دریافت سند پرداخت یا تسلیم مالی و یا فراهم آوردن وسایلی برای اخذ توافق و مذاکره و یا جمع آوری و تحویل اموال یا سند پرداخت اقدام نمایند، با توجه به بند (۱۷) ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲ پرونده آنان به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری برای اعمال مجازات مناسب ارجاع خواهد شد.

الف - گرفتن وجوهی به غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده است.

ب - اخذ مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزانتر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحش کمتر از قیمت.

ج - فروش مالی به مقدار فاحش گرانتر از قیمت به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ارباب رجوع بدون رعایت مقررات مربوط.

د - فراهم نمودن موجبات ارتشاء از قبیل مذاکره جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه از ارباب رجوع.

ه- اخذ یا قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از ارباب رجوع به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای انجام دادن یا انجام ندادن امری است که مربوط به دستگاه اجرایی می‌باشد (Youssefian Shorhedeli, 2010).

مطابق تبصره ۱ ماده قانون رسیدگی به تخلفات اداری، چنانچه تخلف هر یک از کارمندان مستند به گزارش حداقل یک بازرس معتمد به تأیید مدیر مربوطه برسد بالاترین مقام دستگاه اجرائی یا مقامات و مدیران مجاز، می‌توانند دستور اعمال کسر یک سوم از حقوق، مزایا و عناوین مشابه و یا انفصال از خدمات دولتی برای مدت یک ماه تا یک سال را برای فرد متخلف صادر نمایند. بر اساس تبصره ۲ این ماده، در صورت تکرار این تخلف به استناد گزارش‌هایی که به تأیید بازرس معتمد و مدیر مربوطه برسد پرونده فرد خاطی به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ارجاع و یکی از مجازات‌های بازخرید، اخراج و انفصال دائم از خدمات دولتی اعمال خواهد شد (Jafariyan, 2017; Khaleghi, 2020).

۴. وجوب استرداد مال رشوه

در حقوق جزا رشوه عبارت از دادن مالی است که به مامور رسمی یا غیررسمی دولتی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد، خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخص دیگر آن را بگیرد این شخص وسطه را در فقه، راتش گویند و دهنده مال را راشی و گیرنده مال را مرتشی خوانند فرق نمی‌کند که کاری که برای راشی باید انجام شود حق او باشد یا نه. شرط تحقق رشوه تبانی و توافق گیرنده و دهنده بر دادن و گرفتن رشوه است (Jafari Langroudi, 2017).

در صورتی که تبانی راشی و مرتشی احراز شود وجه رشوه به عنوان مال حرام ضبط می‌گردد و از مواد رد نخواهد بود زیرا با رضایت مالک در طریق از تحت مالکیت او درآمده و از سوی مرتشی هم قابل تملک نیست زیرا حرام است. اما در مورد استرداد مال رشوه قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۵۹۲ مقرر داشته: «هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.»

امام خمینی (ره) درباره مال الرشوه می‌فرماید: «بر مرتشی واجب است که مالی را که از راشی گرفته به او مسترد نماید.» (Khomeini, 2000).

همچنین اداره حقوقی دادگستری در مورد استرداد مال رشوه در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب در پاسخ استعلام چنین نظر داده که: «مسئله شخص به اتهام دادن رشوه تحت تعقیب واقع شده ولی به علت حصول مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.»

به مستفاد از مادتین ۵ و ۱۴۶ قانون کیفر همگانی و حسب اصولی کلی قضایی و جوهی که به عنوان رشوه کشف و ضبط شده است با صدور حکم قطعی در دادگاه محکومیت راشی و در صورت استعلام با توجه به اینکه اتهام مبنی بر صدور قرار تعلیق تعقیب شده و حکم قطعی صادر نشده است، حاصل می‌شود.

۵. جلوه‌های ضبط مال ناشی از ارتشا

باتوجه به رابطه مالکیت راشی با پرداخت رشوه نسبت به مال موضوع رشا قطع نمی‌شود چرا که این پرداخت یک پرداخت نامشروع است و موجب انتقال مالکیت نیز نمی‌شود بنابراین نباید معادل آن مال را از راشی اخذ نماییم بلکه باید در صورت وجود عین، همان عین را و در غیر این صورت مثل یا قیمت آن را از مرتشی ضبط کنیم و این که راشی را مجبور نماییم نسبت به استرداد مال خودش از اموال مرتشی اقدام کند به نظر غیرواقعی به نظر می‌رسد چرا که در واقع مالی که در حال حاضر در دست مرتشی است متعلق به راشی است، بنابراین ضبط آن در ید مرتشی، خود مجازات راشی محسوب می‌شود (Hemati Biyeragh, 2021).

مطابق ماده ۵۸۸ قانون مجازات (تعزیرات) و تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات...مرتکبین است مال موضوع رشا در صورتی که احراز شود بزهکاری راشی به عنوان مجازات آن و به نفع دولت ضبط می‌گردد اما معمولاً عدم شناسایی راشی و عدم صدور محکومیت آن به نظر رافع تکلیف مقام قضایی در تعیین تکلیف نسبت به مال موضوع این پرونده نیست و مطابق ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۱۵ قانون مجازات این مورد امکان پذیر نخواهد بود. حال به فرض فقدان حکم محکومیت کیفری (راشی) موجب قانونی جهت ضبط مال ناشی از رشا نیست. در خصوص این مال مطابق مقررات مربوط به مال بلاصاحب معمولاً رفتار خواهد شد یعنی علی الاصول باید تسلیم ستاد اجرای فرمان امام بشود. حال اگر بخواهیم طور دیگر به این پرسش‌ها بنگریم در فرضی که مرتشی با اقرار خود محکوم می‌شود دادگاه تکلیف وجه آن مال تحصیل شده از ارتشا را حتماً تعیین نماید لکن از آنجایی که در این فرض راشی شناسایی نشده است بنابراین صدور حکم ضبط

مال ناشی از ارتشا، به عنوان تعزیر براساس سیاست جنایی تقنینی، قطعاً وجود ندارد لذا تصور ضبط مال موضوع جرم، مطابق موازین قانون، شرعی نیست چون که ممکن است با پیدا شدن راشی و دفاع قابل اثر آن از جمله این که دفاع کند صدور حکم برائت را پاشته باشد در حالی که اگر قائل باشیم که باید آن مال ضبط بشود مال با وجود شرایط و اخذ برائت، مال موضوع پرونده باید حتماً به راشی مسترد گردد و در حالی که قبلاً مال ناشی از ارتشا ضبط شد حال باید آن مال در چنین فرضی از سوی مراجع قضایی در صندوق دادگستری نگهداری شود که این نظریه می‌تواند قابل قبول باشد (Razman, 2018).

با توجه به ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین... مجازات راشی ضبط مال ناشی از ارتشا می‌باشد. حال اگر این رشوه سند پرداخت وجه باشد هرچند که از نظر فقهی و در عالم اعتبار ذمه شخص را مشغول و آن را متعهد به پرداخت سند می‌نماید لکن اگر راشی تمکن پرداخت آن سند را نداشته و در آینده هم این تمکن حاصل نگردد با این تفاسیر اگر حکم ضبط مال به عنوان مجازات راشی نیز صادر گردد قابلیت اجرا نخواهد داشت چرا که مالی از راشی اخذ نخواهد شد که مجازات گردد بنابراین این مهم می‌تواند از سوی راشی مورد سوء استفاده قرار گیرد که جای ایراد است. همچنین سوالی که مطرح می‌شود و ذهن را به آن متبادر می‌نماید این است که چرا قانونگذار در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین... صرفاً کارکنان و ماموران دولتی را در یک سازمان جرم انگاری نموده است؟ شاید مامور یا کارمندی رشوه‌ای را اخذ نماید که انجام آن امر باید در سازمان دیگری و یا توسط مامور سازمان دیگری صورت گیرد که این مهم توسط مقنن جرم انگاری نشده است بنابراین زمانی که این رفتار جرم نباشد پیرو آن ضبط مالی هم وجود نخواهد داشت که این امر می‌تواند راه فراری برای راشی و مرتشی باشد (Dalir, 2009).

همچنین با توجه به تغییرات نرخ ارتکاب جرم ارتشاء، قانونگذار میزان جزای نقدی در ماده ۳ قانون تشدید... را افزایش نداده است بنابراین حداقل میزان وجوه دریافتی توسط مامور دولت می‌تواند مشمول جرم ارتشا قرار گیرد بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که مقنن توجه سختگیرانه‌ای به این جرم داشته و دارد که شاید یکی از دلایل آن تاکید فقهی بر این جرم می‌باشد و به نظر می‌رسد این جرم یک تعزیر منصوص شرعی باشد که البته در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد. همچنین باتوجه به مطلق بودن این جرم، مقنن در ماده ۳ قانون تشدید... عنوان نموده که چه مرتشی کار را انجام داده یا نداده باشد باید مجازات یکسانی در نظر گرفته شود که این امر می‌تواند از لحاظ اخلاق و انصاف جای ایراد باشد چرا که مالی را که راشی به مامور دولت پرداخت می‌نماید در عوض کاری برای اوست و تا زمانی که امر از سوی مرتشی انجام نشده است ضبط کل مال، برای مجازات راشی دور از انصاف است و مجازات سنگینی به نظر می‌رسد چرا که بهتر بود قبل از انجام کار از سوی مرتشی، نصف آن مال ضبط گردد و باید توافقی در این خصوص قائل شد.

امام خمینی در مورد وضعیت مال ناشی از ارتشا می‌گویند که بر مرتشی واجب است مالی را که از راشی اخذ کرده است به صاحب اش مسترد کند و یک نظریه از مرحوم شهید اول که می‌گویند رسوه حرام است و اعاده آن واجب است (Khomeini, 2000). بنابراین به نظر فقهای شیعه مال ناشی از ارتشا باید به راشی مسترد شود که در اصل ۴۹ قانون اساسی هم تصریح شده که دولت موظف است در سرقت‌های ناشی از ربا، رشوه و... را به صاحبش رد کند و در صورتی هم که صاحب آن معلوم نباشد باید آن مال به بیت المال داده شود که اصولاً این حکم توسط دولت اجرا می‌گردد و از طرفی هم مطابق تبصره ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق خود مجبور به دادن پول به شخصی شده است، تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد و وجه پرداخت شده به او برگردانده می‌شود و معمولاً این وجه و مال به نفع دولت ضبط می‌شود و تنها در یک مورد استثناء دارد آن هم در تبصره ماده ۵۹۲ که به آن اشاره و در مقام بیان یک استثناء است

(Ahangari & Chekandinejad, 2021). همچنین در تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و تبصره ۲ ماده ۶۰ قانون خدمات وظیفه عمومی اصلاحی سال ۱۳۶۸ نیز در مورد اموال رشوه نیز چنین قاعده‌ای وجود دارد که می‌گوید طبق این تبصره مال رشوه به عنوان جزای نقدی ضبط می‌شود و هر گاه ثابت شود. راشی برای حفظ حقوق خود ناچار به دادن رشوه شده است آن وجه یا مال به آن مسترد می‌شود بنابراین باتوجه به این موارد اگر بخواهیم یک جمع بندی راجع به این موضوع داشته باشیم این که اگر چه ضبط مال ناشی از ارتشا به نوعی تعزیر راشی است لکن در مقابل، یک حق حاکمیت نیز مطرح است و در هر حال تکلیف وجوه یا اموال باید مشخص شود و در مواردی که عدم استرداد مال به راشی تجویز می‌شود باید حتماً به نفع حکومت ضبط گردد کما این که در ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی هم مقرر شده که در صورت موقوف شدن تعقیب راجع به اموال و وجه حاصله از جرم ضبط آن را دادگاه انجام می‌دهد و این فرض هم نشان می‌دهد که وجوه کشف شده ناشی از ارتشا نیز باید به نفع دولت ضبط گردد.

۶. مصداق قانونی عدم استرداد عین یا مثل یا قیمت مال ناشی از ارتشا

تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء. اختلاس و کلاهبرداری دادگاه مکلف است مال ناشی از ارتشا را به عنوان تعزیر رشوه دهنده راشی به نفع دولت ضبط کند. ضمن دادنامه صادره به استناد مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی باید حکم به استرداد عین یا مثل یا قیمت مال تحصیل شده توسط مرتشی صادر شود و هرگاه مرتشی تا انقضای مهلت محکومیت نسبت به استرداد وجه یا مال مأخوذه از راشی اقدام نکند به موجب ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به دستور قاضی صادر کننده حکم به ازای هر یکصد هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌شود. نظر اقلیت بازداشت محکوم علیه مرتشی به استناد ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ را تجویز میکند محکومیت مرتشی به استرداد مال ناشی از ارتشا جزای نقدی محسوب نمی‌شود که بتوان به ازای هر یکصد هزار ریال یک روز او را بازداشت کرد و به این ترتیب با استهلام میزان وجه مأخوذه حکم را اجرا شده تلقی کرد زیرا ممکن است آنچه به عنوان رشوه اخذ شده وجه نباشد، بلکه مالی بوده که تلف شده و ارزش ریالی آن مشخص نیست به علاوه وجه یا مال موصوف به حکم مقنن باید به نفع دولت ضبط شود. در حالی که به نحو مقرر در نظر اکثریت وجه یا مال مزبور به مالکیت مرتشی درآمده و موجب دارا شدن غیر عادلانه وی می‌شود مرتشی باید الزام به تأدیه شده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد ضبط شود و در غیر این صورت به تقاضای دادستان تا زمان تأدیه حبس شود (Dalir, 2009).

نظر کمیسیون نشست قضائی جزایی چنین است که اولاً: مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواردی است که مال تحصیل شده از جرم توسط مرجع قضائی توقیف شده باشد، در این صورت باید نسبت به آن تعیین تکلیف شود؛ بنابراین، موارد سؤال از شمول این مواد خارج است. ثانیاً: تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و هم چنین تصریح ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی راجع به ضبط مال ناشی از ارتشا شامل مواردی میشود که عین مال موجود و قابل ضبط باشد یا مالی که عین آن موضوعیت ندارد، مثل وجه نقد و سکه طلا اما در مواردی که عین مال موضوع ارتشا تلف شده باشد، حکم به ضبط آن مورد ندارد و محکومیت به مثل یا قیمت آن نیز فاقد مجوز قانونی و برخلاف اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی است.

ثالثاً: در مواردی که شخص محکوم به رد عین یا مثل یا قیمت مالی شود اجرای آن طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی صورت می‌گیرد.

در فرض فوق، جرم ارتشاء به طور کامل محقق نشده است؛ زیرا عنصر مادی آن مانند سند یا چک کامل و کامل نیست تا وجه آن وصول و تبدیل به نقد شود و متهم آن را وصول نکند، رشوه کامل نیست و عنصر مادی تحقق نیافته است؛ چون چک و سند به خودی خود ارزشی ندارند، مخصوصاً زمانی که به سرقت رفته و یا چک فوراً مفقود شود، نشانه آن است که عنصر مادی از ابتدا کامل نبوده، بلکه در عین حال، یک امر کاربردی و مادی است؛ بنابراین شروع به ارتشاء جرم محسوب می‌شود و باید آن را شروع به جرم دانست و مجازات کرد (Ghasemi Moghadam, 2020).

عنصر مادی جرم با وصول وجه نقد و یا مال به دست آمده از سند محقق می‌شود و وقتی چک، سرقتی و بلامحل باشد، کاشف است از اینکه در ابتدا هم عنصر مادی جرم محقق نبوده و در واقع جرم عقیم است. همان طور که در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری تصریح شده دادن سند پرداخت وجه، یکی از مصادیق بزه ارتشاست و وصول یا امکان وصول وجه آن و یا مالکیت راشی نسبت به مالی که به عنوان رشوه می‌دهد شرط تحقق جرم محسوب نمی‌شود؛ بنابراین در فرض سؤال جرم تام محقق یافته و مرتکبین قابل مجازات هستند (Jafariyan, 2017). تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی نیز رشوه دهنده را در صورتی که برای پرداخت رشوه مضطر بوده یا پرداخت آن را گزارش دهد و یا اعلام شکایت کند از مجازات حبس معاف دانسته و مقرر داشته، مال به وی مسترد شود. با دقت در مندرجات تبصره‌های مواد پیش گفته، معلوم می‌شود معافیت قانونی راشی از مجازات یا تخفیف آن در تبصره ۵ مربوط به زمان قبل از کشف جرم یا هنگامی است که جرم کشف و تعقیب کیفری مرتشی آغاز شده باشد و تبصره ماده ۵۹۲ راجع است به کشف و اقدامات تعقیبی آغاز زمان پس از وقوع جرم در حالی که جرم نشده و قانون گذار برای تشویق راشی به اعلام شکایت و یا اخبار وقوع معافیت وی را از مجازات حبس منظور داشته است. با عنایت به جرم مراتب فوق چنانچه راشی پس از صدور حکم مبادرت به انجام اقدامات فوق کند، ظاهراً موجب معافیت وی از مجازات و تخفیف آن نخواهد بود.

نتیجه گیری

مصادره و ضبط اموال، یکی از انواع ضمانت اجراهای کیفری در قوانین جزایی می‌باشد. از لحاظ سیر تاریخی مصادره و ضبط اموال دارای سابقه‌ای بسیار کهن است و در اسلام نیز مصادره و ضبط اموال پیشینه دارد و از دوران خلفای راشدین آغاز شده است. خلاصه اینکه ضبط عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده حاصل از جرم فردی به صورت موقت و بدون حق برداشت. ضبط کردن اموال یا به صورت موقت است یا به صورت دائم. به این صورت که در ضبط موقت امید به برگشت هست ولی در ضبط دائم سلب مالکیت از مالک اتفاق می‌افتد. بررسی وضعیت اموال اکتسابی از جرم و تعیین تکلیف این اموال از آن دسته موضوعاتی است که مورد توجه مراجع قضایی است ماده ۲۱۴ و ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (بخش ششم، مسائل متفرقه) در خصوص تعیین تکلیف اموال مذکور مباحثی را مطرح کرده است اما شاخص معینی در خصوص مصادره، معدوم کردن اموال و یا استرداد عنوان نکرده و مشکلات و سردرگمی‌های فراوانی را ایجاد کرده است. در خصوص میزان اختیارات مراجع کیفری در پروسه مصادره اموال وجود ندارد.

در صورتی که چک یا سندی به جای وجه نقد در مورد تکدی‌گری به عنوان رشوه داده شود و قبل از وصول چک یا سند و دستگیری طرفین موضوع مشخص شود و یا چک رشوه‌ای به سرقت رفته یا بی‌محل باشد. به نظر اکثریت، در اینکه جرم ارتشاء به طور کامل محقق و واقع شده است، زیرا راشی و مرتشی با تبانی قبلی و با نیت بد عمل کرده اند و در واقع عملی که برای آن رشوه گرفته شده یا از انجام آن امتناع کرده اند و تمامی عوامل جرم از عنصر مادی و معنوی. به عنصر حقوقی آن محقق است و به ویژه رکن مادی جرم، سند یا وجه نقد و چک

است. به طور دقیق و کامل محقق شده است و در قانون چنین چیزی وجود ندارد که تحقق عنصر مادی را منوط به دریافت وجه نقد، موضوع سند یا چک کند. چنین استنباطی از پرداخت وجه یا تسلیم مال را مستقیماً یا عبارت وجه یا مال یا سند که اخذ مال غیرمستقیم قبول کند در حکم مرتشی است...» صحیح به نظر نمی‌رسد. آنچه در قانون آمده قبول سند پرداخت یا تحویل مال است که صرفاً با قبول چک یا سند محقق می‌شود. حتی اگر چک یا سند بعداً فوراً تشخیص داده شود یا بی‌اعتباری آن ثابت شود، تأثیری در وقوع واقعی نکول ندارد. بنابراین جرم ارتشا با تمام شرایط و ارکان آن کاملاً محقق شده و قابل مجازات است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Bribery has long been a subject of significant legal, ethical, and political discourse, particularly in societies where financial corruption disrupts the foundational structures of governance and economic stability. The legal frameworks surrounding asset seizure resulting from bribery vary across jurisdictions, but in Iranian criminal law, it has specific implications within the Islamic jurisprudential context. This study, through a descriptive-analytical method, seeks to investigate the foundations and manifestations of asset seizure related to bribery, considering both the principles established by Islamic jurisprudence and the contemporary Iranian legal system. The confiscation of assets acquired through bribery is not only a punitive measure but also a preventive mechanism to deter individuals from engaging in corrupt financial transactions. The findings suggest that while the ownership of bribed assets remains technically with the briber, the unlawful nature of the transaction nullifies any legal claim over such assets. This leads to the complex question of whether the government should confiscate the bribed asset or if the briber should be forced to reclaim it from the bribee, a situation that presents legal and ethical dilemmas (Dalir, 2009).

Confiscation and asset seizure policies, as implemented in Iranian criminal law, derive their legitimacy from a combination of Islamic legal principles and modern legislative frameworks. The study delves into the intricate relationship between property rights and illegal financial gains, questioning the extent to which an unlawful transfer of property nullifies ownership claims. Islamic jurisprudence, particularly in Shi'a legal thought, holds that bribery-induced transactions do not constitute legitimate property transfers, thus mandating the return of assets to their rightful owner, or in the absence of a clear claimant, their confiscation by the state. However, a significant legal gap exists in the implementation of these provisions, particularly in cases where the bribed asset has been altered, lost, or exchanged for another form of value. Legal scholars have debated whether the equivalent value of such assets should be recovered from the bribee or whether alternative restitution mechanisms should be developed (Khomeini, 2000). The study highlights the ambiguity in current Iranian laws, which sometimes fail to provide clear guidelines for law enforcement and judicial authorities on handling confiscated assets, often leading to inconsistent judicial interpretations. This ambiguity raises critical concerns about the fairness and efficacy of asset seizure laws in cases of bribery and financial misconduct.

A crucial aspect of bribery-related asset seizure concerns the punitive objectives of the legal system. The study argues that confiscation serves as both a deterrent and a form of retributive justice, aiming to deprive offenders of the economic benefits gained through illicit transactions. The effectiveness of this approach is contingent upon the legal system's ability to enforce asset seizure without disproportionately punishing one party over the other. In practice, however, the distinction between briber and bribee is often blurred, particularly in cases where individuals claim that they were coerced into offering bribes to protect their legitimate rights. Iranian law acknowledges this complexity, as seen in the exception provided under Article 592 of the Islamic Penal Code, which exempts individuals from prosecution if they can prove that the bribe was given under duress to safeguard their lawful interests (Razman, 2018). Nevertheless, the process of proving coercion remains legally challenging, and in many instances, individuals who engage in bribery under duress still face punitive measures, raising concerns about the ethical and procedural fairness of current enforcement mechanisms. The research emphasizes that without a refined legal framework distinguishing between different motivations behind bribery, the existing punitive measures might inadvertently penalize individuals who were compelled to engage in corrupt transactions.

The study further examines how Islamic jurisprudence and Iranian legal principles address the redistribution of seized assets. Islamic law generally mandates the return of unlawfully obtained property to its rightful owner, but in bribery cases, the rightful ownership is often unclear. While some scholars argue that the bribed asset remains the property of the briber and should be returned, others contend that the unlawful nature of the transaction nullifies any ownership claim, justifying state confiscation. The study underscores the inconsistencies in the application of these principles, highlighting cases where judicial authorities have either returned assets to bribers or ordered their forfeiture to the state treasury. This inconsistency suggests a need for legislative reform to establish a clear, standardized approach to handling confiscated assets in bribery cases. Additionally, the research explores comparative perspectives by analyzing asset seizure policies in other legal systems, demonstrating that while confiscation is a widely accepted punitive measure, the methods of execution vary significantly depending on the legal, economic, and political contexts of each jurisdiction (Youssefian Shorhedeli, 2010).

One of the major challenges in implementing asset seizure laws effectively is ensuring that the process does not facilitate further corruption within the legal system itself. The study discusses instances where law enforcement officials and judicial authorities have been implicated in corrupt practices related to confiscated assets, thereby undermining public trust in the justice system. Such concerns necessitate stronger oversight mechanisms to ensure transparency and accountability in asset forfeiture proceedings. Furthermore, the study argues that the punitive effectiveness of asset seizure is diminished when the process is perceived as arbitrary or disproportionately applied. A key recommendation is the adoption of stricter procedural guidelines for judicial authorities, ensuring that asset confiscation aligns with principles of justice and due process. The research also proposes that Iranian lawmakers consider introducing alternative punitive measures, such as financial restitution programs where bribers and bribees contribute to public funds instead of outright asset seizure. Such measures could potentially mitigate the harsh consequences of existing asset forfeiture laws while still maintaining their deterrent effect (Shakeri & Gholizadeh, 2019).

The final section of the study presents recommendations for improving the current legal framework surrounding asset seizure in bribery cases. Among these recommendations is the need for a more precise legal distinction between bribers acting out of coercion and those engaging in bribery voluntarily for personal gain. Additionally, the study advocates for greater judicial discretion in

determining the appropriate punitive measures for bribery cases, emphasizing the importance of contextualizing each case based on its specific circumstances. Another critical recommendation is the establishment of specialized judicial units dedicated to handling financial crimes, particularly those related to bribery and corruption, to ensure more consistent legal interpretations and rulings. The study also calls for increased public awareness campaigns to educate citizens on the legal consequences of bribery and the mechanisms available for reporting corrupt practices. In conclusion, the research underscores the necessity of a comprehensive legal reform to address the existing ambiguities and inconsistencies in asset seizure laws in Iran. By refining the legal framework to ensure fairness, transparency, and proportionality in asset confiscation, the Iranian legal system can enhance its capacity to combat bribery effectively while upholding principles of justice and due process.

References

- Ahangari, M., & Chekandinejad, A. (2021). Examples of Confiscation of Property in Iranian Positive Law. *Journal of Political Sociology*, 13.
- Ardabili, M. A. (2019). *General Criminal Law*. Mizan.
- Dalir, H. (2009). A Look at the Punishment of Rash in Iranian Criminal Law. *Judicial and Legal Journal of the Judiciary of the Islamic Republic*, 9, 141-152.
- Ghasemi Moghadam, H. (2020). Guarantees for the Protection of the Right to Property in the Seizure and Confiscation of the Means of Crime. *Journal of Criminal Law Studies*, 20.
- Goldouzian, I. (2021). *The Content of the Islamic Penal Code in the Current Legal System*. Majd Publications.
- Hemati Biyeragh, F. (2021). *A Study of Property Acquired from Crime in the Iranian Legal System and International Documents* [Tabarestan Institute of Higher Education].
- Jablon, L. D. (2018). Civil forfeiture A Modern perspective on roman custom. *Southern California Law Review*, 72(1), 247-274.
- Jafari Langroudi, M. J. (2017). *Property Law*. Ganj-e Danesh Publications.
- Jafariyan, H. (2017). Seizure and Confiscation of Property. In *Encyclopedia of Economic Criminal Sciences*. Mizan Publications.
- Keramidas, G. (2020). International Cooperation and mutual assistance under the proceeds of crime bill. *Journal of Money Laundering Control*, 6(2), 141-150. <https://doi.org/10.1108/13685200310809491>
- Khaleghi, A. (2020). *Criminal Procedure*. Shahr-e Danesh.
- Khomeini, S. R. (2000). *Tahrir al-Wasilah*. Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Marthin, E. A. (2013). *A Dictionary of Law*. London.
- Razman, A. (2018). *Legal Gaps in Seizure and Confiscation of Property in Iranian Criminal Law*. Ghanoon Yar Publications.
- Shakeri, A. H., & Gholizadeh, B. (2019). Seizure of Property in Iranian Criminal Law. *Quarterly Journal of Judicial and Legal Views*, 24(87).
- Youssefian Shorhedeli, B. (2010). A New Approach to the Property of Offenders in Organized or Economic Crime (Comparative Study in Iranian and French Law). *Journal of Legal Research*, 3.
- Zabih, H., & Mazloom Rahni, A. R. (2016). *Seizure and Confiscation of Property in the Judicial Procedure of the Public Prosecutor's Office*. Ghanoon Yar Publications.